

هو الأبهی

یا من استمرّ علیه البلاءً مسلسلًا بالأغلال فی سبیل الله هرچند در زیر زنجیری و مبتلای وثاق وثیق ولی علی العجالة کسی که از حیات نتیجه و ثمر میرد و از وجود خویش سود و منفعت میرد صبحش روشن و شامش سیر گلزار و چمن است آن جناب است چه که روز و شب را در سبیل جمال ابهی در مشقّت و زحمات بسر میبری اینست موهبت عظمی و مرحمت کبری ایام میگذرد و اوقات منتهی میشود ولی براحته و آسایش و مسرتّ جهان آفرینش زیستن کجا و در بند و کمند و زندان و حرمان در سبیل جانان مبتلا بودن کجا پس خوشا نفوسی که از کأس بلا در راه بهاء نوشیدند و سمّ قاتل را چون شهد فائق چشیدند

ای ربّ عطّر مشامّ عبدک المقيّد بالکبول بنفحات قدسک فی کلّ صباح و مساء و نور بصره بمشاهدة انوار عنایتک فی کلّ ضحی و عشیّ لیکون له سلوة فی ضيقه و سجنه و انس فی وحشته انک انت الکریم المفضل ع ع
 بمناسبة مثل مشهور من لم یذق لم یعرف حلاوة شهد السّرور جناب علی قبل اکبر علیه بهاء جمال الظهور حاضر و تصدیق این قول را میفرمایند که در ایام معهود که بظاهر مبتلای قیود بودم فی الحقیقه عید و سرور بود و نشئه کأس مزاجها کافور چه که از اوقات حیات که مرور نمود هیچ خوشنود و ممنون نیستم مگر اوقاتی را که در زندان در سبیل حضرت رحمن بسر بردم اگرچه بظاهر زحمت و مشقّت بود ولی فی الحقیقه رحمت و موهبت چه که این سلاسل و اغلال وقتی در گردن مبارک و مقدّس بود که ذلّت له الأعناق و خضعت له الرقاب و عنت له الوجوه و سجدت له الجباه اگرچه بظاهر اغلال بود لکن فی الحقیقه رشک عقد اللّال و این طوق حدید یاره و طوق پادشاهیست و این زنجیر گران زینت گردن شیر ژیانست پس بشهادات ایشان این قضیه مثبت گشت و اسألوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون

جناب آقا میرزا مؤمن و ضلع ایشان امة الله خادمه اسراء الرحمن و امة الله گل سرخ علیهم بهاء الله الأبهی را ابلاغ تکبیر ابداع ابهی بفرمائید ع ع